

مد در جغرافیا!

در هر جامعه علمی نخبگانی هستند که هدایت پژوهش‌های آن علم را در برهه‌های از زمان بر عهده می‌گیرند. سیری اجمالی در تاریخچه علوم ریاضی، فیزیک، زمین‌شناسی یا هر رشته علمی دیگر، آثار بر جای مانده از هر یک از نخبگان آن علم را به برهه زمانی خاصی محدود می‌کند. از اینشتین گرفته تا دیویس و از راسل تا لاوازیه. این نخبگان، با اندیشه‌هایی متفاوت از معاصران خود، یا با روش‌هایی جدید، از دیگر اندیشمندان زمان خویش پیشی گرفته‌اند و به مطالب جدید، کشفیات و مهارت‌هایی دست یافته‌اند که میزان جذابیت و کاربرد آن‌ها در رشته علمی مربوط به خودشان تا چند دهه بر روش‌های تحقیق یا موضوعات تحقیقی آن علم سایه افکنده است.

نخبگان معمولاً با روش تحقیق علمی، نگرش‌های فلسفی یا منطق علمی و ابزارها و مدل‌های تحقیق، روش و نگرش علمی خویش را بر جامعه علمی خود تحمیل می‌کنند.

در باب سیستم‌ها یا نگرش‌های جدیدی چون نظریه آشوب (آشفستگی)، پیچیدگی و همانند آن‌ها مدل‌هایی ارائه شده‌اند. زمینه سلطه نخبگان بر علم، ابزارهای تحقیق و استفاده از علوم مجاور برای بیان علم و پژوهش در آن ممکن است تا چند سال بر پژوهشگر و پژوهش‌های وی سایه اندازد، چنان که در سال‌های اخیر، بهره‌گیری از روش‌های آماری خاص، داده‌های سنجش از دور یا سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی، پژوهشگران را تحت تأثیر قرار داده است. نه تنها در مجله رشد آموزش جغرافیا، بلکه در بسیاری از فصلنامه‌های پژوهشی جغرافیایی، مقالاتی وجود دارد که در آن‌ها به کارگیری سنجش از راه دور یا استفاده از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی به چشم می‌خورد. همه موارد فوق را می‌توان به‌عنوان مدهای زمانه در جغرافیا در نظر گرفت که چهره‌های ارائه‌دهنده آن‌ها، پژوهشگران نخبه علم به حساب می‌آیند.

کلمه «مد» در علم بار منفی ندارد. در این جا نمی‌توان به سرزنش بزرگانی پرداخت که روش، نگرش یا ابزار تحقیقی خود را تا سال‌ها در جامعه علمی مربوط به رشته خود رواج داده‌اند. مد در جغرافیا از طریق ارائه مقالات، کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، داوری مقالات علمی و جهت‌گیری انجمن‌های علمی به دیگر پژوهشگران آن علم تزیق می‌شود و سبب هجوم یا اقبال پژوهشگران به چنین نگرش‌ها و ابزارهایی خواهد شد. بی‌گمان با ارائه نگرش، روش یا ابزار جدید، دیدگاه‌ها و روش‌های قدیم به کناری می‌روند و کم‌کم جای خود را به تازه‌آمده‌ها می‌سپارند. برای مثال، بحث جغرافیا و توسعه پایدار در دهه ۱۹۹۰، و بحث جهانی شدن در دهه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ از جمله مباحثی بوده‌اند که جغرافی‌دانان بیشتر بدان‌ها پرداخته‌اند، لذا می‌توان این دهه‌ها را دهه توسعه پایدار و دهه جهانی شدن در پژوهش‌های جغرافیایی نامید. در دهه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، جغرافی‌دانان در شاخه‌های این علم از جمله ژئومورفولوژی، آب و هواشناسی، جغرافیای زیستی، هیدروگرافی و هیدروژئومورفولوژی، برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی روستایی، به مباحث مخاطرات محیطی اقبال بسیار نشان دادند. حاصل این توجه بسیار، صدها مقاله، ده‌ها کنفرانس و گردهمایی و ده‌ها مدل پهنه‌بندی برای مخاطرات محیطی مختلف، از دامنه‌ها گرفته تا سونامی‌ها، بود. هنوز هم پس‌لرزه‌های مخاطرات محیطی بر بسیاری از کنفرانس‌ها و مقالات و متون آموزشی سایه افکنده‌اند و اکنون همه جغرافی‌دانان در انتظار مباحث تازه، روش‌های نو و نگرش‌های اندیشمندانه جدیدند که نخبگان علم و دانش نوین ارائه می‌دهند و پیروان آن‌ها نیز با موشکافی در موضوعات و پژوهش‌های بعدی، آن‌ها را به «مد جامعه جغرافیا» تبدیل می‌کنند.

چنان که گفتیم، مد بار منفی ندارد، به ویژه در علم؛ اما ارائه مدل ارزشی بس والاتر و بالاتر از پیروی از مد دارد. گویند کسی با قلم و کاغذ نزد بزرگی رفت و به وی گفت: «چیزی گوی تا از تو روایت کنم». بزرگ فرمود: «چنان باش تا از تو روایت کنند نه تو روایتگر دیگران باشی». نتیجه نهایی این نوشته نیز رسیدن به همین بود. نکته ظریف این که جغرافی‌دانان ما به جای پیروی و روایت کردن از دیگران، بهتر است با نوآوری‌های خویش، جامعه علمی را به سوی یافته‌ها و نگرش‌های تازه و روش‌های نوین هدایت کنند.

سیاوش شایان